

این دست نوشته های زیبا و عبرت آمیز را خواندم. تماماً تجلی عمق قلبی شهید تجلایی بود. دینداری عمیق، بی تاب شهادت، شجاعت در عمل، فهم در تدبیر ذکاوت در اداره بیزاری از دنیا و همه توجه به خدا و قیامت، همه آن ها را در حیات حضوری و شهودی او ما شاهد بودیم و نورانیت فوق العاده تجلی خورشید درونی او بود.

خود همین نوشته ها بدون دستکاری، پیام زیبا و ارزشمندی برای هر طالب راهی به سوی خدا است. اگر کسی بتواند همان چند صفحه کوتاه او را در بحث سوسنگرد، آن حماسه ارزشمند به هنر و نوشته تبدیل کند، زیباترین جلوه بشری و غیرت و همت یک انسان را می تواند به نمایش بگذارد.

درود و رحمت و رضوان خدای تعالی بر آن عاشق ده ها بار به شهادت رسیده اش علی عزیز که استادم به در آموزش بلکه در همه چیز بود و به خوبی حق این نام مبارک و زیبای علی را به جا آورد و تجلی، تجلی چنین نام نام آوری شد.

قاسم سلیمانی ۹۷/۵/۱۷

شهادت شکار

جستاری در خاطرات و دست نوشته های شهید علی تجلایی

| به اهتمام : نصیبه عبدالعلی زاده |

شهادت شکار

جستاری در خاطرات و دست نوشته های شهید علی تجلایی

به اهتمام: نصیبه عبدالعلی زاده

ناشر: یا زهرا (سلام الله علیها)

شمارگان: ۳۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: یکم - تابستان ۱۴۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۹۴-۷۴-۲

لیتوگرافی: سینا

چاپ: معاصر

صحافی: شریعت

سرشناسه: عبدالعلی زاده، ص ۱۳۳۸ -
عنوان و نام پدیدآور: شهادت شکار جستاری در خاطرات و دست نوشته های
شهید علی تجلایی / به اهتمام نصیبه عبدالعلی زاده.
مشخصات نشر: تهران: نشر یا زهرا (س)، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۱۶۲ ص، مصور (رنگی)، ۵/۱۴×۲۱/۵ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۹۴-۷۴-۲
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: تجلایی، علی، ۱۳۳۸-۱۳۶۳.
موضوع: شهیدان -- ایران -- بازماندگان -- خاطرات
موضوع: Diaries -- Survivors -- Iran -- Martyrs
رده بندی کنگره: DSR ۱۶۲۶
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۱۶۹۳۹

نشانی: تهران، میدان انقلاب اسلامی، خیابان شهدای

ژاندارمری، پاساژ ناشران و کتاب فروشان کوثر،

شماره ۱ - تلفن: ۶۶۴۴۵۳۷۵ - ۶۶۹۶۲۱۱۶



فهرست

۶.....	مقدمه:
۸.....	سال شمار زندگی علی تجلایی
۱۱.....	کاش ساواکی می شدم
۱۹.....	زندگی در شرایط سخت
۲۱.....	مأموریت در افغانستان
۲۵.....	سوسنگرد به روایت تجلایی
۴۳.....	به خودم می بالیدم
۵۷.....	علی رگبار
۶۵.....	حکم مأموریت
۸۵.....	دوره دافوس
۸۷.....	عملیات خیبر به روایت شهید تجلایی
۱۰۹.....	لغو عملیات
۱۱۹.....	تک تیرانداز
۱۲۱.....	رقص کنان خواهم رفت
۱۳۵.....	الحمد لله
۱۴۱.....	وصیت نامه اول شهید علی تجلایی
۱۵۳.....	وصیت نامه دوم شهید علی تجلایی
۱۶۱.....	نامه به دختر

پیش گفتار:

اثری که پیش روی شماست، ارج نامه‌ای به فراخور بضاعت مان برای مجاهد بی‌مرز و بی‌مزار که هنوز ارزش‌های والای شخصیت کم‌نظیرش ناشناخته مانده است. مردی که جان‌ش را فدا کرد تا یک وجب از خاک کشورمان دست بیگانگان نیفتد. او کسی بود که در مجلس عقدشان به همسرش گفت: «شنیده‌ام عروس موقع عقد هر دعایی بکند، خداوند اجابتش می‌کند. اگر به من علاقه داری و خوشبختی‌ام را می‌خواهی، دعا کن شهید شوم!» راستی ارزش و عیار این فکر و اندیشه را جز «علی تجلایی» چه کسی می‌دانست؟ باید به چه درجه‌ای از ایمان برسی تا مثل او عاشق باشی؟ او برای این که جبهه نرود، هزار و یک دلیل داشت، اما هیچ کدام نتوانست مانع حضورش در صحنه‌های خوف و خطر باشد؛ همانند دیگر مردان خدا، پرده بندار درید و جز جمال یار چیزی ندید و از این سبب مقام و منصب خود را در قراگاه خانه الانبیاء (قراگاه فرماندهی جنگ) رها کرد و با لباس رزمی که یادگار آزادسازی سوسنگرد بود و همه جای‌ش نشانی از تیرو ترکش داشت، گمنام و رها از تعلقات دنیوی، راهی آخرین نگاه خود در عملیات بدر شد.

بیشتر فرماندهان بلندپایه‌ی جنگ بر این باورند که اگر حیات دنیوی علی تجلایی ادامه پیدا می‌کرد، می‌توانست جانشین خوبی برای باکری‌ها باشد، ولی او از قید و بندها رها شده بود و جز مرگ «شهادت شکار» آرامش نمی‌کرد.

این کلام شهید «غلامحسین افشردی (حسن باقری)» سرلوحه فعالیت‌های ماست که: ما به این انقلاب و شهدا بدهکاریم. بدهکار گریه‌ی مادران، چشم‌انتظاری همسران و بی‌پدر شدن بچه‌ها. ما به شهدا، جانبازان، آزادگان، و خانواده‌هایشان بدهکاریم. به باکری‌ها، شفیع زاده‌ها، یاغچیان‌ها و... بدهکاریم. به علی تجلایی فاتح سوسنگرد بدهکاریم؛ مردی که در آخرین نامه‌اش نوشت: «مطمئنم دیگر بر نمی‌گردم. خدا کند جنازه‌ی من دست شما نرسد.»

آن چه قابل ذکر است جز کتاب «ستاره‌ی بدر»، اثر جناب «جلال محمدی» که در سال ۱۳۷۴ توسط کنگره‌ی سرداران شهید آذربایجان به چاپ رسیده، اثر

قابل تأمل دیگری درباره شهید علی تجلایی منتشر نشده است. در حالی که آثار بر جای مانده از آن عزیز سفر کرده شامل نامه‌ها، سخنرانی‌ها، تشریح عملیات‌ها، خاطرات خودنوشت، دست نوشته‌ها و... خود حدیث مفصلی است که تا به حال اقدام مؤثری برای چاپ آن‌ها انجام نشده. برای این کار در گام نخست، به سراغ همسر صبور علی‌آقا، سرکار خانم «عبدالعلی‌زاده» رفتیم و آن بانوی انقلابی با بزرگواری تمام، دست‌نوشته‌های این شهید سرافراز را که طی چهار دهه چون گنجی گرانبها از آن نگهداری کرده بود، در اختیارمان گذاشت و راه را برای نشر این آثار هموار نمود. او که به عشق علی تجلایی مشکلات زندگی را به تنهایی بردوش کشیده و از هیچ کوششی در شناساندن سیره‌ی حیات و شهادت آن فرمانده نام‌آور دریغ نکرده بود، سرانجام در حادثه تأسف‌باری، دوستداران علی تجلایی را داغدار کرده و داغ فانی را وداع گفت. یادش را گرامی می‌داریم.

در پایان از هنرمند بسیجی حاج «بهزاد پروین قدس»، حاج «محمد حبیب‌اللهی»، «علیرضا خسروی»، «رضاقلی‌زاده» و «ناصر قاری‌رائی» که در به ثمر رساندن این اثر همکاری کرده و خالصانه متحمل زحماتی شدند، تشکر می‌کنیم. هم چنین از مساعدت‌های معاون محترم هماهنگ‌کننده نیروی زمینی سپاه، سردار «علی‌اکبر پورجمشیدیان» و فرمانده محترم سپاه عاشورا، سردار «عابدین خرم» تشکر نموده و امیدواریم با نشر این اثر بتوانیم گامی مؤثر در شناساندن شهید علی تجلایی برداریم.

این اثر را به روح بلند و ملکوتی سردار رشید اسلام شهید علی تجلایی و همسر فداکارش سرکار خانم عبدالعلی‌زاده تقدیم می‌کنیم و امیدواریم که از شفاعت شهدا بهره‌مند شویم، ان شاء الله.

ای در قرار سرخات مفهوم بی‌قراری
در بستر زمانه، خون‌ات همواره جاری...
کانون فرهنگی شهید تجلایی تبریز
خرداد ماه سال ۱۴۰۰ شمسی